

## چشم مست !

زکوی باده فرو شان خمار می آیم !  
چو لاله طرف چمن داغدار می آیم !

بیسته اند همه دکه های یکرنگی  
فریب خورده و دلتنگ و زار می آیم !

دل رمیده ما پیش از این قراری داشت  
ببین چگونه کنون بی قرار می آیم !

مگر صفای تو ما را ز مهر بخشاید  
که پیش بار گهت خاکسار می آیم !

حرامیان مزاحم نمی دهند امان  
سبو شکسته برت شرمسار می آیم !

به طرف باغ و چمن هم گلی شکفته نبود  
غمین و دل زده از لاله زار می آیم !

بیا و باده از آن چشم مست ما را ده  
که بهر هر نگهش جان نثار می آیم !

نمانده تاب و تبی در حریم می خواران  
ز محفل دلشان اشکبار می آیم !

رضا شاپوریان  
شنبه دهم اکتبر ۱۹۹۸